

گزارش

پیدا و پنهان سفر ناگهانی مقام سعودی به ایران
عربستان میانجی تهران و واشنگتن می‌شود؟
دبدار سعود بن محمد الساطی، معاون وزیر خارجه عربستان سعودی با سید عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران در تهران، آن‌هم در روزی که ها‌کان فیدان، وزیر خارجه ترکیه نیز به ایران آمده، گمانه‌زنی‌های تازه‌ای درباره تحرکات دیپلماتیک در منطقه ایجاد کرده است. همزمانی این دو سفر نشان دهنده تلاش برخی بازیگران کلیدی خاورمیانه برای استفاده از فضای دیپلماتیک موجود و احتمالاً شکل دهی به معادله‌های جدید در روابط تهران با همسایگان و حتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. روابط ایران و عربستان در دو سال گذشته پس از گفت‌وگوهای با میانجی‌گری چین از حالت انجماد خارج شده و در مسیر احیای مناسبات سیاسی پیش رفته است، اما سفر تازه معاون وزیر خارجه عربستان در حالی انجام شده که ولیعهد سعودی در دیدار با دونالد ترامپ گفته بود ریاض خواهان توافقی بین تهران و واشنگتن است؛ اظهار نظری که بلافاصله با تحلیل‌هایی درباره احتمال نقش آفرینی عربستان در پرونده هسته‌ای ایران همراه شد.

فرصت نه‌پدید؟

بررسی تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد عربستان به ندرت در جایگاه میانجی‌گری قابل اعتماد بین تهران و غرب ظاهر شده است. بحران‌های منطقه‌ای، رقابت‌های ژئوپلیتیک و اختلافات ایدئولوژیک، همواره فضای گفت‌وگو را محدود کرده است. در شرایط فعلی، عربستان از یک سو به دنبال تثبیت نقش خود به عنوان قدرت همزن خلیج فارس و شریک امنیتی غرب است و از سوی دیگر به روابط اقتصادی و انرژی با شرق به ویژه چین نظر دارد. این وضعیت، انگیزه ریاض برای بازی دوگانه میان تهران و واشنگتن را تقویت می‌کند. از نگاه خوش‌بینانه، تجربه‌توافق ایران و عربستان در بازگشایی سفارتخانه‌ها و آتش‌بس بايمن نشان می‌دهد که اراده سیاسی برای کاستن از تنش‌ها وجود دارد. اگر عربستان بتواند با حمایت پنهان یا آشکار آمریکا و همراهی چین، کانال ارتباطی بین تهران و واشنگتن را باز کند، احتمال کاهش فشارهای تحریمی و گشایش در مذاکرات هسته‌ای زنده خواهد شد. با این حال، از زاویه بدبینانه، د خالت عربستان ممکن است بیش از آنکه به کاهش تنش بینجامد، به تحکیم منافع ریاض در بازی دوگانه منجر شود. هرگونه میانجی‌گری نیازمند اعتماد متقابل است و این مولفه در روابط تهران و ریاض هنوز شکسته و ناپایدار به نظر می‌رسد و وقوع اشتباه یا فشار طرف ثالث می‌تواند به سرعت باعث فروپاشی آن شود.

از غزه تا لبنان

تحولات جاری در غزه و جنگ اسرائیل و حماس، یکی از موضوعات احتمالی گفت‌وگوها بوده است. عربستان که در مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل قرار داشت، پس از جنگ غزه رویکرد خود را تعدیل کرد و اکنون با فشار افکار عمومی جهان عرب و بی‌اعتمادی جریان‌های مقاومت مواجه است. ایران نیز همزمان تلاش می‌کند حمایت خود از گروه‌های فلسطینی را حفظ کند. لبنان و موضوع حزب... نیز احتمالاً در مذاکرات مقامات ایران و عربستان مطرح شده است. به ویژه با توجه به افزایش درگیری‌های مرزی میان حزب... و اسرائیل و نگرانی کشورهای عربی از گسترش دوباره دامنه جنگ. به نظر می‌رسد که سعودی‌ها از خلع سلاح حزب... حمایت می‌کنند اما همزمان از گسترش نفوذ اسرائیل بر کشورهای عربی نیز بیم دارند.

سوریه و یمن

تحولات سوریه نیز همچنان یکی از مسائل مهم منطقه به شمار می‌رود. جایی که دولت جدید آن روابط نزدیکی با عربستان دارد، اما با ایران به کلی قطع ارتباط کرده است. سعودی‌ها اخیراً رویکردی عمل‌گرایانه در قبال دولت دمشق نشان داده‌اند و تلاش می‌کنند با مشارکت کشورهای عربی، روند بازگشت سوریه به اتحادیه عرب را تقویت کنند. به نظر می‌رسد که اشتراکات راهبردی ایران و عربستان در سوریه به کلی با یکدیگر متفاوت باشد. اما یمن نیز همچنان یکی از حساس‌ترین میدان‌های تعامل دو کشور است. پس از توافق آتش‌بس نسبی و تبادل اسرا، ریاض مایل است این پرونده را با کمترین هزینه به نقطه پایانی برساند، در حالی که تهران به‌طور غیررسمی حمایت و ارتباطات خود را تا انصاف... را حفظ کرده است؛ بنابراین موضوع یمن نیز می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در راینزنی‌های مقامات دو کشور داشته باشد.

دیپلماسی منطقه‌ای

به طور کلی، سفر همزمان مقام‌های بلندپایه عربستان و ترکیه به تهران نشانه‌ای از جنب و جوش تازه در دیپلماسی منطقه‌ای است. اگر عربستان واقعا در پی میانجیگری میان تهران و واشنگتن باشد، این نقش می‌تواند فرصتی برای باز کردن گره‌های سیاسی- امنیتی تلقی شود، اما همزمان تفاوت سیاست‌های راهبردی دو کشور، تهدیدهای بالقوه‌ای را هم به وجود می‌آورد. با توجه به مسائل منطقه‌ای تعیین‌کننده در غزه، لبنان، سوریه و یمن، هرگونه توافقی یا حتی تفاهم اولیه میان تهران و ریاض، نه تنها بر روابط دو جانبه، بلکه بر معادلات کلان خاورمیانه تأثیرگذار خواهد بود.

خبر

ناصر ایمانی:

باید دولت را تشویق کرد تا تصمیمات بزرگ بگیرد

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره استارت دولت مسعود پزشکیان برای اتخاذ تصمیمات بزرگ اظهار داشت: هرچند در کنار موافقت‌ها، انتقادهایی هم به تصمیم اصلاح‌قیمت‌گذاری و نحوه عرضه بنزین انتقاداتی وارد می‌شود، شخصاً از اتخاذ این تصمیم خوشحال شدم چون بالاخره دولت جسارت نشان داد و یک تصمیم نسبتاً مهم در حوزه مدیریت سوخت گرفت. ناصر ایمانی گفت: کاری به درستی یا نادرستی تصمیم بنزینی دولت ندارم چون مهمتر از این موضوع آن است که دیدیم بالاخره دولت حرکتی البته با احتیاط بسیار زیاد انجام داد؛ این اتفاق امیدوارکننده است. باید دولت را تشویق کرد تا برای حوزه‌های دیگر هم تصمیمات بزرگ بگیرد. این کارشناس مسائل سیاسی اظهار کرد: موضوعات مستعد برای اتخاذ تصمیمات بزرگ را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروهی از موضوعات مثل سوخت، مستقیم به مردم و جامعه بر می‌گردد و گروه دوم موضوعاتی هستند که مستقیم به مردم ارتباط ندارد بلکه به خود ارکان حکمرانی بخصوص خود دولت مربوط می‌شود. وی افزود: در حوزه موضوعاتی که به مردم مربوط می‌شود طبیعتاً دولت برای تصمیم‌گیری احتیاط می‌کند اما درباره موضوعات گروه دوم دولت می‌تواند جسورانه وارد شود و تصمیمات بزرگ بگیرد چون فرصتی برای اتخاذ تصمیمات کوچک نداریم. ایمانی یادآور شد: در موضوع ناترازی‌ها دولت باید برنامه خود را اعلام کند و جسورانه وارد شود ولو اینکه یک سال دیگر جواب دهد.

دکتر بهمن آرمان در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

باندهای مافیایی و تبدیل

بنزین سه‌نرخه

به چالش

در ایران قیمت یک لیتر آب معدنی از یک لیتر بنزین بیشتر است

زنگنه می‌گفت ساخت پالایشگاه کثافت‌کاری است



پژو ۴۰۵ه ۱۴ لیتر است به شش لیتر و یا کمتر از آن کاهش پیدا می‌کند. به همین دلیل در شرایط کنونی مشکلات اقتصادی و حامل‌های انرژی در ایران بسیار اساسی و جدی است که نیاز به یک جراحی جدی دارد و با چنین تصمیماتی به نتیجه نمی‌رسد». جملات ذکر شده اظهارات دکتر بهمن آرمان، اقتصاددان درباره پیامدهای افزایش قیمت بنزین در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. آرمان در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های تصمیم‌بنزینی دولت اشاره می‌کند که در ادامه می‌خوانید.

نمی‌فرشود و ظرفیت پالایشگاه‌های خود را به ظرفیت تولید نفت خام خود نزدیک کرده است. این وضعیت در کشورهایی مانند امارات متحده عربی، قطر و کویت نیز وجود دارد. در ایران نیز از سال‌ها قبل می‌شد شرایط واردات بنزین را پیش‌بینی کرد و بر اساس آن پالایشگاه‌های لازم ساخته شود. این در حالی است که در عمل چنین اتفاقی رخ نداد و کسانی که در این زمینه تصمیم‌گیر بودند اما اقدامات لازم را انجام ندادند امروز مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند. همین وضعیت وجود داشته که کشور به جایی رسیده که به صورت سالانه باید چند میلیارد دلار بنزین وارد کند. نکته دیگری که وجود دارد این است که میزان مصرف سوخت خودروها در کشورهای اروپایی تقریباً نصف خودروهای موجود در ایران است. به عنوان مثال خودروهای پژو ۴۰۵ و پراید در ایران تقریباً دو برابر میزان سوخت خودروهایی کشورهای اروپایی مصرف سوخت دارند که آمار بسیار بالایی است. در ایران به دلیل نداشتن آزادراه‌های کافی با ترافیک زیادی مواجه هستیم که روزانه میزان مصرف بنزین را افزایش می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از این میزان اگر آزادراه‌های کافی، قطارهای تندرو و حتی هوایم‌های مناسب داشتیم این میزان سوخت در کشور به صورت روزانه استفاده نمی‌شد. به همین دلیل با تصمیمی که دولت گرفته نه تنها مصرف بنزین کاهش پیدا نمی‌کند بلکه در کاهش قاچاق سوخت نیز تأثیری نخواهد گذاشت.

باتوجه به اینکه تورم آبان ماه ۵۰ درصد اعلام شده آیا تصمیم دولت در زمینه افزایش قیمت بنزین باعث افزایش نرخ تورم نخواهد شد؟ بدون شک این اتفاق رخ خواهد داد و بر اساس افزایش قیمت حامل‌های انرژی تورم نیز افزایش پیدا خواهد کرد. اقتصاد ایران به دلیل وجود برخی مدیران ناکارآمد جنبه روانی پیدا کرده و به همین دلیل پس از افزایش قیمت بنزین قیمت کالاهای دیگر نیز افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر مافیای خودرو با تمام توان نسبت به واردات خودروهای کم‌مصرف حساس است و مخالفت می‌کند و از سوی دیگر با انتقال تکنولوژی و دانش فنی برای کاستن از مصرف سوخت در خودروهای ساخت داخل مخالف است این در حالی است که اگر چنین اتفاقی رخ دهد به عنوان مثال مصرف یک خودرو پژو ۴۰۵ه ۱۴ لیتر است به شش لیتر و یا کمتر از آن کاهش پیدا می‌کند. به همین دلیل در شرایط کنونی مشکلات اقتصادی و حامل‌های انرژی در ایران بسیار اساسی و جدی است که نیاز به یک جراحی جدی دارد و با چنین تصمیماتی به نتیجه نمی‌رسد.



رسانه‌های بیگانه و شبکه‌های ماهواره‌ای به شکل مشکوکی در حال بزرگ کردن اصلاح قیمت حامل‌های انرژی هستند. در واقع برخی دنبال این هستند که برای دولت ترس و وحشت ایجاد کنند تا چنین تصمیماتی را نگیرند

قیمت یک بطری آب معدنی ۲۰ سی‌سی در کشور ۱۰ هزار تومان است در حالی که قیمت یک لیتر بنزین ۱۵۰۰ تومان است. به همین دلیل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی یک ضرورت در کشور است که باید انجام شود. امروز قیمت بنزین به اندازه‌ای است که حتی هزینه حمل و نقل آن را نیز پوشش نمی‌دهد. ایران در سال‌های اخیر واردکننده بنزین بوده اما کسی آقای زنگنه را که ۱۶ سال وزیر نفت این کشور بوده و می‌گفته ساخت پالایشگاه کثافت‌کاری است، مواخذه نمی‌کند که چرا کشور در چنین وضعیتی قرار گرفته است.

آیا در شرایط کنونی که چشم‌انداز مشخصی پیش روی کشور نیز زمان تصمیم‌گیری درباره افزایش قیمت بنزین زمان مناسبی بود؟ این تصمیم باید گرفته می‌شد. کشورهای اطراف خلیج فارس به دنبال این هستند که خود را از وضعیت خام‌فروشی نفت خارج کنند. به عنوان مثال بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته کشور عربستان تا سال ۲۰۳۰ دیگر نفت خام

مافیای خودرو با تمام توان نسبت به واردات خودروهای کم‌مصرف حساس است و مخالفت می‌کند و از سوی دیگر با انتقال تکنولوژی و دانش فنی برای کاستن از مصرف سوخت در خودروهای ساخت داخل مخالفت است

سید رضا صدر الحسینی: روابط با ایران قطعاً و یقیناً معنادارتر خواهد شد. البته باید این مسئله را مدنظر قرار داد که ظرفیت‌های ترکیه در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و تأثیر آن بر نقش ایران در خاورمیانه اظهار داشت: با عنایت به روابط گسترده و طولانی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و وجود تأکیدات اسناد بالادستی برای افزایش، تعمیق و گسترش روابط بین جمهوری اسلامی و کشورهای همسایه، سفر آقای ها‌کان فیدان از ترکیه قطعاً و یقیناً در روابط دو جانبه، چند جانبه و منطقه‌ای بسیار دارای اهمیت است. باید توجه داشته باشیم که در روابط دو جانبه، در طول سال‌های طولانی، در کشور ایران و ترکیه در حوزه مسائل اقتصادی، تجاری، ترانزیت کالا و تبادل انرژی روابط بسیار عمیقی را داشته‌اند. سید رضا صدر الحسینی گفت: در زمان‌هایی که اختلافات منطقه‌ای جمهوری اسلامی و ترکیه در موضوعی به نام حضور تروریست‌های مورد حمایت آنکارا در سوریه افزایش پیدا کرده بود، هیچ‌گاه دو کشور اجازه به وجود آمدن تنش در روابط اقتصادی خود را ندادند. این تحلیلگر در مسائل غرب آسیا با اشاره به این نکته که در شرایط کنونی تهدیدات رژیم صهیونیستی برای منطقه افزایش پیدا کرده است، تصریح کرد: با عنایت به احساس تهدیدات ارضی ترکیه که از جانب خاک سوریه برای آن متصور است، این

یادداشت

دولت چهاردهم

اهل جوان‌گرایی نیست!



امید علی بابایی

فعال حوزه جوانان

به خاطر وعده‌های مختلف، چشم‌انتظاری‌ها و دلخوشی‌هایی با روی کار آمدن دولت چهاردهم، جهت پوست‌اندازی نسلی مسئولان در بین جوانان به وجود آمد. این امیدواری با مطرح شدن شعار برای ایران در هنگام کمپین انتخاباتی دکتر پزشکیان آغاز شد و با تئوری شبیک و ذهن پرکن رفاقی بعد از پیروزی در انتخابات بیشتر به چشم آمد. دولت چهاردهم از همان روز اول با بحران مواجه شد و تا به امروز هم بحران‌هایش به طرز شگفت‌انگیزی رکورد را در بین دولت‌های مختلف به خود اختصاص داده؛ اما در تداوم این بحران‌ها یا ایجاد بحران‌های جدید هیچ تقصیری متوجه سیاست‌گذاران و دولتمردان نیست؟ یا حتی این بحران‌ها که دولت را دچار روزمرگی کرده، دلیلی برای چشم‌پوشی نسبت به برخی وعده‌ها و دغدغه‌های می‌شود؟ بسیاری از بحران‌های امروز، گسترش یافته بحران‌های قبلی هستند و یا به نوعی ارتباط واضحی با بحران‌های قبلی دارند پس حل این بحران‌ها به دست افراد و سیستم‌های کهنه در امور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نه تنها به برطرف شدن مشکلات نمی‌انجامد بلکه حتی ممکن است این روند و سیستم که باعث تشدید بحران‌ها تاکنون بوده، در ادامه هم به گسترش یا ایجاد بحران‌های مختلف ختم شود. جدا از بررسی تأثیر افراد بر چگونگی رسیدن به وضعیت فعلی، نکته مهم وجود سیستم غلط و ناکارآمد کهن سال محوری مبتنی بر تجربه محض (آن‌هم تجربه ناشی از مسندگرایی) است که باعث شده فیلتر ورودی برای نشستن در جایگاه سیاست‌گذار و دولتمرد، تمام جوانان و حتی بیشتر میانسالان را کنار گذاشته و تابلوی ورود جوانان ممنوع بر سر در نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نصب شود.

پس این اصرار بیش از حد و غیرمنطقی دولتمردان و سیاست‌گذاران بر عدم استفاده از جوانان به هر دلیلی، تقصیرها و به واسطه تداوم و ایجاد بحران‌ها را به طور مستقیم متوجه دولت چهاردهم می‌کند چون با استمرار سیستم گذشته و بدون توجه به نوآوری برای حل بحران‌ها باید توسط جوانان انجام شود. یک مسیر اشتباه را ادامه می‌دهد، آن‌هم در شرایطی که کشور دارای پتانسیل به شدت قوی جوانان آماده به فعالیت در هر زمینه‌ای است. در عین حال دولت به عنوان متولی امور اجرایی کشور، با جوان‌گرایی در بدنه سیاست‌گذاری خود می‌تواند سایر نهاد‌های حاکمیتی و خصوصی را به صورت طبیعی، وادار به جوان‌گرایی کند چون برای برقراری ارتباط بهتر بین دولت و سایر نهاد‌ها، کشش درون نسلی بسیار کم‌کننده خواهد بود. در این شرایط هر بحران و معضلی که به‌طور ناگهانی پیش بیاید همان‌طور که قبلاً توسط مسئولان مختلف پشت سر گذاشته می‌شد، بعد از این می‌تواند توسط مسئولان جوان و حتی با دقت و سرعت بهتری پشت سر گذاشته شود و چه بسا به واسطه تجمع اندیشه‌های نوآورانه، راه حل‌ها به صورت تصاعدی باعث برطرف شدن بحران‌ها شوند. با همه این توضیحات اما دیگر عملاً هیچ امیدی به دولت چهاردهم برای جوان‌گرایی در سیستم اجرایی و سیاست‌گذاری‌ها وجود ندارد چون اگر دولت در عمل به اهمیت جوان‌گرایی واقف بود یا اعتقاد واقعی به استفاده از جوانان در اذهان دولتمردان وجود داشت بعد از سپری شدن حدود یک‌سوم از عمر دولت، تاکنون حداقل روی کاغذ چند طرح اجرایی با مصداق عینی از این جوان‌گرایی ارائه می‌شد.

البته در این بین ذکر دو نکته لازم است: ۱- دادن مقام و منصب به تعداد انگشت شماری از جوانان با همان معیارهای مرسوم در دهه‌های گذشته و برای به رخ کشیدن وفاق با مخالفان دولت، به درد جلسات دوستانه سطوح بالای چانه‌زنی بین خود مسئولان می‌خورد و به هیچ عنوان قابل استناد نیست. ۲- طرح‌های انتزاعی و تخیلی مثل تشکیل مجلس جوانان و... تنها بستری برای عده‌ای خاص از جوانان با گرایش‌های مشخص است که به رزومه‌سازی بپردازند و همچنین مسیر باطلی جهت دور ریختن پول بیت‌المال باطل می‌شود! اگر اعتقاد واقعی به جوانان در دولت چهاردهم وجود می‌داشت، تاالان دولت بسیاری از مدیران ناکارآمد خود را با جوانان تعویض کرده بود و با دادن مسئولیت مستقیم در سطوح بالا به جوانان (البته بدون در نظر گرفتن وفاق و معیارهای خاص گزینشی!)، حسن نیت خود را ثابت می‌کرد چون قطعاً برآیند عملکرد جوانان از مسئولان کهن سال بدتر نبوده و نخواهد بود.